



سرپرست کهنه کار کوهنوردی منطقه ما در ۸۰ سالگی همچنان پا به کوه است

پدر و گروهش

۶



عکس: نرجس شاکری/شهر آرا

با همت معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۹ و با پیگیری های شهرآرامجله انجام شد
خلاصی «خورشید» از گرد و خاک

فضای سبز محلی خیابان شهید غفوری ۳ فضایی برای معاشرت همسایه هاست
پاتوق حال خوب کن اهالی

طراح و جواهرساز مجله هاشمیه هیچ وقت خودش را بی نیاز از آموزش ندانسته است

گوهرشناسی گوهرنیا

۵۴



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان تان را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● انس دختران محله لادن با قرآن

تعداد دانش آموزان شرکت کننده در کلاس های حفظ قرآن مسجد امام حسین (ع) در محله لادن به هفت نفر رسید. این کلاس ها از شش ماه پیش به همت ستایش نوری و نفیسه روحانی نژاد، دانش آموزان مقطع متوسطه دوم، راه افتاده است. آن ها وقتی فهمیدند صفیه خانم عروجی، از نمازگزاران مسجد، در گذشته حفظ قرآن کار می کرده، از او خواستند فوت و فن این کار را به آن ها آموزش دهد. تاکنون ستایش یک جزء و نفیسه یک و نیم جزء را حفظ کرده اند. آسیه فاضلی ۱۰ ساله هم از جزء سی شروع به حفظ کرده و نیمی از این جزء را یاد گرفته است.



● تبادل فضاهای ورزشی مساجد محله

فهیمة شهری مسجد امیرالمؤمنین (ع) شقایق یک، میزبان برگزاری مسابقات دارت، تیراندازی و فوتبال دستی بود. این مسابقات برای خانم ها، آقایان و نوجوانان برگزار شد و در هر رشته، دو نفر برتر انتخاب شدند. هیئت امنای مسجد امیرالمؤمنین (ع) علاوه بر ساکنان محلی، از نمازگزاران مسجد حضرت علی (ع) در فکوری ۱۱ هم دعوت کرده بودند که در این رقابت ها شرکت کنند. در آینده نیز قرار است آن ها به مسجد حضرت علی (ع) بروند تا با استفاده از میزهای پینگ پنگ این مسجد مسابقات را برگزار کنند. در این تبادل ها، اهالی مساجد مختلف، به امکانات ورزشی یکدیگر دسترسی دارند و استفاده بهینه تری از آن ها می شود.

● مراقب باش خاموش نشی!

گروه نمایش یاس نبی (س) در محله شقایق یک در حال تمرین تئاتر هستند. آن ها قرار است به زودی حدود سی اجرا در مساجد، مدارس و فرهنگ سراهای مشهد داشته باشند. بازیگران این تئاتر، دانش آموزان دوره دوم ابتدایی هستند. آن ها نمایش «مراقب باش خاموش نشی» را اجرا می کنند که برگرفته از کتابی با همین نام است.

میترا عظیمی که از فعالان فرهنگی محله شقایق یک است، محتوای این کتاب را به صورت نمایش نامه بازنویسی کرده و شش دانش آموز دختر علاقه مند در حال تمرین آن برای اجرای اجراهای روزهای آینده هستند. موضوع کلی این نمایش درباره عفاف و حجاب است.

● تولدی برای بچه های فروردین

قرار است در مسجد حجت بن الحسن (عج) محله سرفرازان برای کودکان هفت و هشت ساله متولد فروردین جشن تولد گرفته شود. مادران این کودکان و فعالان مسجد در حال فضا آرای برای این تولد هستند. این جشن در فضایی که توسط سعیده نجاتی به سبک روز و جوان پسند طراحی شده، برگزار خواهد شد. این قسمت از حسینیه مسجد در گذشته سبکی قدیمی داشت اما سعیده خانم با کمک دیگر مسجدی ها آن را به فضای جذاب تری برای کودکان و جوانان تبدیل کرده اند. هزینه های این جشن به صورت مشارکتی توسط والدینی که بچه هایشان متولد فروردین هستند، پرداخت می شود.



آسفالت نود سال نو

هفته گذشته، عملیات روکش آسفالت خیابان های سرفرازان ۱۳، شهید ایمانیان ۸ و شهید راضی ۳ انجام شد. بهبود و بهسازی معابر سواره رو شهری با اهداف افزایش ایمنی و تسهیل در تردد شهروندان، مقابله با آلودگی معابر در مواقع بارندگی، ارتقای سطح سلامت بارفع معضلات بهداشتی و زیست محیطی انجام می گیرد.

در معابر منطقه مایمن تربرانید

پروژه خط کشی محوری بارنگ سرد ترافیکی به طول ۲ هزار متر طول در معابر سطح منطقه ۹ انجام شده است. افزایش ضریب ایمنی و بهبود وضعیت ترافیکی معابر از جمله اهداف اجرای این پروژه است که تاکنون در بولوار دلاوران، حدفاصل ابتدای تقاطع بولوار نماز، بولوار های هاشمیه و هفت تیر و پارکینگ بوستان وفا اجرا شده است.

خلق زیبایی با مواد بازیافتی

امسال در اقدامی جدید و برای اولین بار ساخت هشت دسته المان و طرح خلاقانه با بهره گیری از ابتکار کارکنان باغ وکیل آباد اجرا شده است. میزبازی، کلبه چوبی، قاب خاطره، ماهی و... از جمله المان های جانمایی شده در این مجموعه است که در بعضی موارد با استفاده از مواد بازیافتی ساخته شده است.



معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹ از روند پروژه مرکز رویش محله شقایق یک می گوید

شهر خلاق در نیمه راه

ریاحی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹ از پیشرفت پنجاه درصدی پروژه مرکز رویش شهر خلاق در محله شقایق یک خبر داد. حامد قربانی در این باره گفت: مرکز رویش منطقه ۹ جزو پروژه های زود بازده ای محسوب می شود که ساخت آن از فروردین سال گذشته به درخواست شهروندان آغاز شده و در حال حاضر، آرماتوربندی و بتن ریزی دیوارهای حائل پیرامونی آن انجام شده است.

او ادامه داد: این پروژه در سه طبقه و زمینی به مساحت هفتصد متر مربع در خیابان هفت تیر ۳۵ قرار دارد.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹ بیان کرد: مرکز رویش شهر خلاق با هدف حمایت از کسب و کارهای خرد و خانگی و ایجاد اشتغال در محلات حاشیه ای منطقه ۹ اجرا می شود و کارگاه های آموزشی در رشته هایی چون خیاطی، چرم دوزی، قالی بافی، تابلوفرش، گلیم بافی و فرت بافی در آن برگزار خواهد شد.

به گفته قربانی در این مراکز، مشاغل زنان سرپرست خانوار از صفر تا صد یعنی آموزش تا بازار فروش محصول حمایت می شوند و لازم نیست خانم ها خودشان کار بازاریابی را انجام دهند.





اهالی معبر شهید فلاحی ۱۳،۲ درخواست رسیدگی به فضای سبز نقلی کوچه شان را دارند

یک باغچه ویک خیابان



رضایاحی انتهای خیابان شهید فلاحی ۱۳،۲ باغچه ای است خشک و بی آب و علف که سر و شکلیش باعث گلایه همسایه ها شده است. از اوایل دهه ۶۰ که خانواده های مرکز بهداشت در این معبر ساکن شده اند، این باغچه وجود داشته است، گاهی سبز و باطراوت، گاهی هم خشک و بد نما.

هزارگانه های اهالی قدیمی دور هم جمع می شوند و دستی به سر و رویش می کشند اما این بار نیاز به مساعدت شهرداری دارند؛ جداول این باغچه، کهنه و شکسته شده است. درختان آن خشکیده است و خاک آن باید تعویض شود. اهالی می گویند در صورت احیای این فضای سبز، نگهداری از آن را بر عهده می گیرند.

شمشادهایی که خشکید

مژگان دانشمند یکی از اهالی است که پدرش کارمند مرکز بهداشت بوده است و خانه شان در خیابان شهید فلاحی ۱۳،۲ را سال ۱۳۶۳ تحویل گرفته اند. او می گوید: چند سال پیش بود که پدرم چند گیاه شمشاد در این باغچه کاشت و خودش هم به آن ها رسیدگی می کرد. محیط سبز و دل نشینی شده بود. گاهی عصر که می شد، همسایه ها دور همان باغچه جمع می شدند و چای می نوشیدند. شاید برای این خاطراتش است که دوست دارم باغچه محله مان دوباره سبز باشد.

دانشمند می گوید: با همسایه ها قرار گذاشتیم که به این باغچه رسیدگی کنیم، اما به محض اینکه یکی از قدیمی ها اسباب می برد و از این محله می رفت، تمام قرارها به هم می خورد و اهالی رسیدگی به باغچه راپشت گوش می انداختند. اما حالا همه مصمم هستند که این باغچه دوباره سبز شود و همه در سبز ماندن آن مشارکت داشته باشند. وقتی این باغچه خشک است، می شود زیاله دانی محله و بوی بد، اطرافش را پر می کند.

او تأکید می کند: یکی از نیازهای این معبر باتوجه به ساخت و سازهای زیادی که در سال های گذشته انجام شده، نصب یک مخزن زیاله است که برای ما خیلی ضرورت دارد. باعث می شود همسایه ها زیاله ها را وسط کوچه و کنار باغچه نمی گذارند.

همیشه سبز نگهش می داریم

احمد شایسته یکی دیگر از اهالی قدیمی و کارمند بازنشسته مرکز بهداشت است. او هم دغدغه سبز شدن دوباره باغچه انتهای

شهید فلاحی ۱۳،۲ را دارد. شایسته می گوید: در حال حاضر این باغچه منظر نازیبایی دارد و جداول اطراف آن شکسته است. در این سال ها ندیدم که برای مرمت و رنگ آمیزی جداول آن اقدام شود. در سال جدید، خودم شاهد بودم که هرچه جدول رنگ و رو رفته در منطقه ما بود، رنگ آمیزی شد، هرچه جدول شکسته بود، مرمت شد؛ اما هیچ کدام از نیروهای شهرداری دوروبر خانه ما پیدایشان نشد که از آن ها بخواهیم دستی هم به سر و روی این باغچه بکشند. او ادامه می دهد: درخت وسط باغچه که اقاقیاست، خشک شده و باید تعویض شود. از شهرداری منطقه می خواهیم این فضای سبز را احیا کنند، نگهداری اش با ما، همیشه سبز نگهش می داریم.

درخت از ما، آبیاری از شما

درخواست اهالی خیابان شهید فلاحی ۱۳،۲ برای احیای باغچه و فضای سبز این معبر را با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ مطرح کردیم. سعید میرسعیدی در این باره توضیح داد: برای احیای این باغچه با اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۰ بررسی های لازم را انجام دادیم. در این محدوده سیستم آبیاری نداریم. با وجود این آمادگی داریم که در این باغچه درخت بکاریم، مشروط بر اینکه همسایه ها آبیاری و حفاظت از درختان را بر عهده بگیرند.

او با اشاره به اینکه به زودی باکس زیاله در این معبر نصب خواهد شد، می گوید: از اهالی خیابان شهید فلاحی ۱۳،۲ می خواهیم درخواست های خود را به صورت مکتوب به شهرداری منطقه ۱۰ ارسال کنند و ما هم در اولین فرصت، اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.

شهرآرامحله موضوع احیای فضای سبز معبر فلاحی ۱۳،۲ را در آینده پیگیری خواهد کرد.

«بهارانه» در بهار

جشنواره بهارانه منطقه ۱۰ در ایام نوروز به منظور معرفی صنایع دستی، آیین و رسوم، بازی های بومی و محلی و غذاهای سنتی استان خراسان رضوی از هفتم تا ۱۵ فروردین در بوستان نیلوفر آبی برگزار شد. اجرای سرودهای مذهبی، برپایی مسابقه، طرح مباحث قرآنی و معرفی یکی از محله های مشهد از برنامه های این جشنواره بود.

رنگ شادی بردیوارها

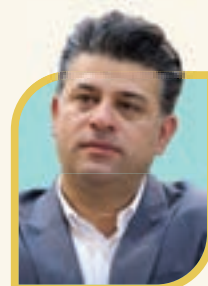
نوروز امسال ۱۶ هزار متر مربع از دیوارهای معابر سطح منطقه با استفاده از رنگ و نقش های شاد، طراحی و نقاشی شد. این نقاشی های دیواری در بوستان های دانش، سرو، آفتاب، افرا، فضای سبز چهارراه راه آهن، مدارس فارسیان، خاکشور، ام المأمه (ع)، حمزه، شاهد اسما، شهید سعیدی و مسجد صاحب الزمان (عج) اجرا شده است.

بزرگراه پیامبر اعظم (ص) ایمن تر شد

پروژه ایمن سازی و اصلاح هندسی ضلع شرقی بزرگراه پیامبر اعظم (ص) حدفاصل میدان قائم (عج) تا خیابان امام هادی (ع) اجرا شد. این پروژه که برای اجرای آن ۴۵ میلیارد هزینه شده است، به منظور ایمن سازی تردد وسایل نقلیه، کاهش تصادفات احتمالی، افزایش رضایت شهروندان، سهولت در عبور و مرور خودروها و ایمن سازی معابر به انجام رسید.



شهر خبر



تاکنون در طرح فرهنگی منطقه ۱۰ ۳۰۰ نفر به زیارت امام رضا (ع) مشرف شده اند

چهارشنبه های دلنشین

ریاحی ا شهردار منطقه ۱۰ از تشریف سیصد شهروند این منطقه در قالب طرح «زیارت دل نشین» به حرم مطهر رضوی خبر داد.

وحید برجسته نژاد با بیان این خبر افزود: امور گردشگری معاونت فرهنگی و اجتماعی این منطقه طرحی را تدوین کرده است به نام «زیارت دل نشین» که طی آن شهروندان منطقه ۱۰ که کمتری می توانند به زیارت حرم مطهر رضوی بروند، در روزهای چهارشنبه، که روز زیارتی حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) است، به حرم مطهر مشرف می شوند. او در ادامه بیان کرد: دوماه از آغاز این طرح گذشته است و در این مدت، شهروندان بسیاری از این اقدام فرهنگی شهرداری استقبال کرده اند که گروه های مختلف نظیر سالمندان، نوجوانان، بیماران خاص، پاکبانان، کارمندان و... در میان آن ها دیده می شود.

شهردار منطقه ۱۰ گفت: تاکنون بیش از سیصد نفر در طرح زیارت دل نشین به حرم مطهر مشرف شده اند و این روند در هفته های آینده همچنان ادامه دارد.

برجسته نژاد با اشاره به تنوع برنامه ها در طرح زیارت دل نشین افزود: ادعیه و مناجات خوانی، مدیحه سرایی امام مهربانی ها توسط مداحان اهل بیت (ع)، سخنرانی مذهبی، بازدید از موزه های حرم مطهر رضوی نظیر موزه انقلاب، موزه فرش و... از برنامه های اجرا شده در این طرح بوده است.

۹

داستان جلد

طراح و جواهرساز محله هاشمیه، هیچ وقت خودش را بی نیاز از آموزش ندانسته است

گوهرشناسی گوهرنیا

حسین بیات جواهرسازی در ایران قدمتی چند هزار ساله دارد اما قدیمی ترین نمونه های به دست آمده آن مربوط است به ۵ هزار سال قبل از میلاد که در کاوش ها در تپه سیلک کاشان به دست آمده و نشان می دهد که مردمان ایران زمین از صدف و سنگ های نرم، گردن بند و دستبند های زینتی می ساخته اند. با این پیشینه، افسانه گوهرنیا، از ساکنان محله هاشمیه، هنرمند یکی از قدیمی ترین هنرهای ایران است. او که متولد ۱۳۵۹ مشهد است، طراحی و ساخت زیورآلات را از سال ۱۳۹۰ شروع کرده اما آموزش های مداوم و پیوسته ای که در این عرصه دیده، باعث شده است امروز طراح و سازنده چند برند معتبر داخلی و خارجی جواهرات باشد.

● اولین دوره زنانه جواهرسازی در مشهد

افسانه گوهرنیا، هنر را در سال های دبیرستان با معرق و نقاشی و مینیاتور شروع می کند اما کنکور، تحصیل در رشته مهندسی کامپیوتر، ازدواج، شاغل شدن و بعدتر، تولد و نگهداری از تنها پسرش برای چند سالی او را از کارهای هنری دور می کند. سال ۱۳۹۰ است که از یک نمایشگاه مینا و فلز باز دید می کند، دوباره شوق ساختن یک اثر هنری به جان می افتد؛ آنجا حس کردم که خیلی دوست دارم با فلز کار کنم. بعد از تحقیقات مفصل به جواهرسازی رسیدم اما یک مشکل بزرگ سر راهم بود. در مشهد هیچ آموزشگاهی برای آموزش خانم ها در حوزه جواهرسازی نبود. به سراغ یکی از آموزشگاه هایی رفتم که آقایان را آموزش و در پایان به آن ها مدرک رسمی فنی

و حرفه ای می داد. به مسئولش پیشنهاد کردم که کلاسی هم برای خانم ها برگزار کند. چند خانم دیگر هم همین درخواست را داشتند. با پیگیری های مداوم ما، مدیر آموزشگاه مجاب شد که مجوز برپایی یک دوره آموزشی «طلا و جواهرسازی» برای خانم ها را از اداره کل فنی و حرفه ای بگیرد. مدتی طول کشید تا این اجازه داده شد و من و چند خانم دیگر توانستیم سر کلاس حاضر شویم. مدت نخستین دوره ای که گوهرنیا گذرانده، هشت ماه است. در این مدت پیشینه هنری و شغلی اش خیلی به کارش می آید تا متفاوت از دیگر هنرچویان عمل کند و دست ساخته های چشم نوازتری بسازد؛ من به واسطه شغل طراحی 3D رابلد بودم و خودم جواهرات را طراحی می کردم. از طرفی به واسطه مهارت معرق کاری، دستم روی اهر روان بود و کارهاییم به چشم استاد می آمد.

● طراح جهانی در نمایشگاه خانگی

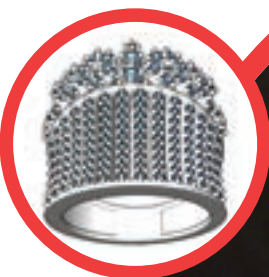
کمی بعد از اینکه گوهرنیا مدرک رسمی طلا سازی و جواهرسازی را می گیرد، پدرش فوت می کند؛ همین فقدان باعث می شود او بیشتر به سمت این هنر کشیده شود و به نوعی به آن پناه ببرد؛ همراهی همسر و تشویق های پدرم - در زمان حیاتشان - به من کمک کرد که این هنر را جدی تر دنبال کنم؛ برای همین در همان دوره آموزشی، بخشی از خانه را به کارگاه تبدیل و تجهیز کردم. ایده های زیادی برای طراحی و اجرا داشتم اما به چشم یک بیزینس و کار تجاری به جواهرسازی نگاه نمی کردم. وجه هنری آن اولویت داشت و تلاش می کردم ارزش هنری اثری که می سازم خیلی بیشتر از ارزش مادی آن باشد.

با همین دیدگاه است که گوهرنیا طرح ها و دست ساخته های زیادی را اجرا می کند؛ دست ساخته هایی که بیشترشان از ترکیب نقره و سنگ های زینتی و قیمتی ساخته می شوند. سال ۱۳۹۵ او یک نمایشگاه خانگی برگزار می کند تا حدود هشتاد طرح از انواع انگشتر، گوشواره، گردن بند، دست بند و دیگر زیورآلات دست ساز خودش را به مدت سه روز به معرض تماشا بگذارد؛ اطلاع رسانی چندانی نکردم. فقط به دوستان و آشنایان گفتم اما بدون آنکه انتظارش را داشته باشم، جمعیت خیلی زیادی از نمایشگاه دیدن کردند. نه تنها چهار روز تمدیدش کردم، که بیش از ۴۵ سفارش کار هم از بازدیدکنندگان گرفتم. یکی از بازدیدکنندگان نمایشگاه، ایرج معینی است؛ طراح مشهور جواهر ساکن نیویورک که طرح هایش نه تنها در مجلات مد چاپ می شود که در برخی از موزه های معروف جهان مانند موزه متروپولیتن نیویورک نیز هست؛ نکته ها و راهنمایی های آقای معینی برای من بسیار کارگشا و متفاوت بود. روی تک کارها صحبت کردند و تجربیاتشان را با خلوص نیت در اختیار من گذاشتند و مسیری را نشانم دادند که خیلی اثرگذار بود و دیدم من را باز تر کرد. راستش در زمان برگزاری نمایشگاه آن قدر سرم شلوغ بود که پیگیر آثار ایشان نشدم. چند روز بعد نامشان را جست و جو کردم و تازه فهمیدم چه جایگاهی در جواهرسازی دنیا دارد! آقای معینی اصالتا مشهدی است و آن روز خیلی اتفاقی مادرش را همراهی کرده بود تا به نمایشگاه من بیاید.

● نمی خواستم نگاه بازاری

«تفاوت» چیزی است که گوهرنیا را عیار نقره خود را فقط بامس و قلم که در بازار فروش به نام «بار سفید» استاندارد است برای تشخیص چه میزان از فلز مورد نظر در این نقره خالص، باید آن ها را با سایر قطعه مورد نظر از نقره است. برای بازار فلزآماده ای به نام آرژنیوم مرسوم است اما هشت سال قبل چون گران بود. من در آن سال ها کار را به آزمایشگاه می دادم تا عیار پیش می آمد که یک کار را با سازم مشتری داشت اما خودم را راضی نگاه بازاری به این هنر داشته باشم برایم مهم نبود. شاید همین نگرش در اولویت باشد. شخصاً اگر بخوانم آن روزها اصلاً ارزشش را نداشتم، می ماندم، درآمد خیلی بیشتری د





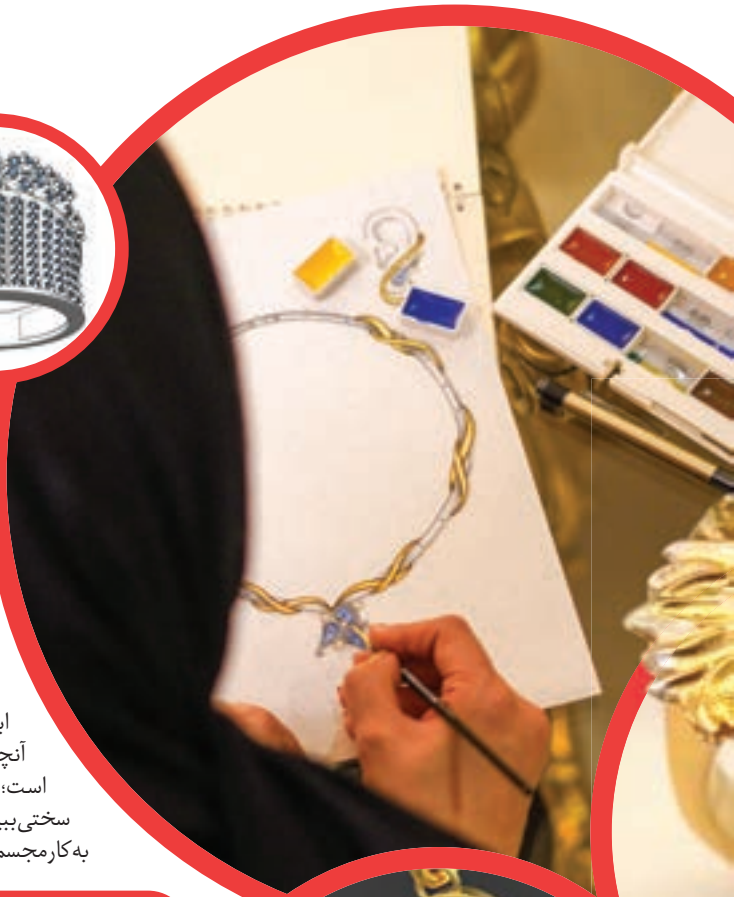
● ○ باید در کارتتان به روز باشید

«آموزش مداوم» دیگر موضوعی است که گوهرنیا تلاش کرده است همیشه در کارش لحاظ کند. اوجتی در دوره ای که بازار طراحی جواهرات به سمت طراحی دیجیتال که آن را بلد است، میل می کند باز هم سراغ یادگیری می رود؛ احساس کردم که باید ساختن را بهتر کنم. نیاز به آموزش دوباره داشتم؛ پس پیش یکی از استادان بنام جواهرسازی در مشهرفتم. ایشان به یک شرط درخواستم را پذیرفتند که در قبال آموزش سنتی، طراحی دیجیتالی را از من آموزش ببینند. بعد از مدتی به این دلیل که وارد شدن به دنیای دیجیتال برای نسل قدیمی جواهرسازی کمی سخت است، قید یادگیری رازند و از من خواستند طراحی های دیجیتالی شان را در قبال آموزش قبول کنم و البته من هم با کمال میل این درخواست را پذیرفتم.»

آنچه گوهرنیا در این دوره فرامی گیرد، آن قدر مؤثر است که احساس می کند در آن هشت ماه ابتدایی چیز خاصی یاد نگرفته است؛ «فرقی نمی کند کجا باشید. اگر در کارتتان به روز نباشید و دنبال آموزش های جدید نروید، متوقف می شوید. من حاضر بودم سختی ببینم اما در هنرم پیشرفت کنم. برای همین دوباره به سراغ آموزش رفتم و یک دوره آموزش نرم افزار در تهران گذراندم که بیشتر به کار مجسمه سازان و انیماتورهای آید. استفاده از این نرم افزار در حوزه جواهرسازی مرسوم نیست اما وجه متفاوتی به کار من داد.»

● ○ همکاری با چند برند جواهری

او معتقد است که هنرمند نباید در کارش بایستد، برای ایستادن هم یک مترادف ویژه دارد؛ «ایستادن یعنی اینکه خودتان را از آموزش بی نیاز ببینید. باید مدام در حال یادگیری های جدید و تکمیلی باشید. نگویید این آموزش ها به کار من نمی آید. من علاوه بر آموزش طراحی دیجیتال، طراحی سنتی، طراحی دستی، مینا کاری هم آموزش دیدم و مدرک فروشندگی جواهرات را هم گرفتم. شما وقتی در هر کدام از این وجوه کار حضور دارید، چیزهایی را درک می کنید که در وجه دیگر قابل فهم نیست. این خروجی کار شما را روز به روز ارتقا می دهد. خیلی از مشتری های خود من در ایران نیستند. شخصاً فکرمی کنم اصرار به آموزش دیدن و تجربه ای که در حوزه عمل جواهرسازی به دست آورده بودم باعث شد که طرح های پخته تر و قابل اجرایی بسازم و نظر جواهرسازان خارجی را هم جذب کنم. الان با چند برند جواهر همکاری می کنم، علاوه بر آن در چند سایت طراحی خارجی نیز طرح ها را به صورت فریلنس می فروشم.»



داشته باشم

در هر دوره کارش به دنبال آن بوده و هست. مثلاً وقتی خیلی ها می ساختند، او از آلیاژی به نام «آرژنیوم» استفاده می کند «شهره است اما چندان مرسوم نیست. می گوید: عیار معیار خلوص فلزگران بها. به بیان ساده تر عیار به مامی گوید طعه وجود دارد. در کار ما به دلیل نرمی و انعطاف زیاد طلا و ملزات مخلوط کنیم تا استحکام آن افزایش یابد و پس از آن را بدیم. عیار نقره ایران، عدد ۹۲۵ است یعنی ۹۲.۵ درصد عیار کردن نقره به نقره خالص، مس و قلع نیاز داریم البته در بست که می توان از آن استفاده کرد. استفاده از این آلیاژ الان هیچ کدام از سازنده های شخصی از آن استفاده نمی کردند، نقره ساچمه می خریدم و با آرژنیوم ترکیب می کردم و خروجی ارش درست باشد. علاوه بر این در مرحله ساخت هم بارها ما آن را آب کنم تا دوباره بسازم. در صورتی که همان اولی هم نمی کرد. جواهرسازی برای من یک هنر بود و نمی خواستم م. می خواستم دست سازهایم منحصر به فرد باشد. سودش ن. ضعف هم باشد اما ترجیح می دادم این بود که هنر جواهرسازی هم به لحاظ مالی به این موضوع نگاه کنم، باید بگویم در من اگر در همان کار برنامه نویسی کامپیوتر و طراحی سایت داشتم.»

● ○ طرح هایی که دزدیده می شوند

گوهرنیا یکی از مشکلات کار طراحان و جواهرسازان را در مشهفد و داخل ایران به سرعت رفتن طرح های داند؛ برای همین خیلی از طرح ها را منتشر نمی کند؛ «باین حال باز هم طرح هایش به سرعت می رود. او این مشکل را، مشکل تمام طراحان در حوزه های دیگر هم می داند؛ «قبل از اینکه طرحتان را در نمایشگاه به معرض تماشا بگذارید، در کارگاه های مختلفی که با آن ها در تعامل بوده اید، چند نمونه آن ساخته شده است! اگر هم بخواهید طرحتان را ثبت کنید، باید هزینه ای نه چندان کم برای هر طرح خود بدهید که آن هم زیاد کار ساز نیست و اگر شخصی سی درصد آن طرح را عوض کند، شما دیگر حقی نسبت به آن ندارید!»



● ○ پیشنهاد به سازندگان جوان

الان مسیر یادگیری خیلی باز است. جوان ترها به این فکر نکنند که در این کار دست زیاد هست یا نه. به این فکر کنند که ما ۱۰ نفر آموزش را شروع کردیم اما فقط من هستم که آن را ادامه می دهم. با فضای امروز و فضای دیجیتال آشنا باشید و در عین حال همه ظرفیت های سنتی این شغل را نیز بشناسید تا بتوانید به صورت دستی نیز آن را انجام بدهید. طراح باید اول کار را لمس کند. دستش بسوزد و یاد بگیرد. کسی که عملی کار نکرده باشد، عملاً طراح خوبی نمی شود. شاید طرح های خیلی قشنگ و با جزئیاتی بکشد، اما در عمل هیچ چیز طرحش ساخته نمی شود. برای همین است که از طراحان می خواهند که به صورت دائم در کارگاه های ساخت حضور داشته باشند. طراح با تجربه ساخت می فهمد وقتی سازنده می گوید «چنگ»، معنایش چیست یا اگر گفت «مخراچی کاسه ای»، یعنی چه. الان خیلی پیش می آید که یک نفر نرم افزار را آموزش می بیند و می گوید تمام! سعی کنید پیچ و خم ها و سختی های کار را بشناسید، بعد ببینید آدم این کار هست یا نه. اگر آدم این کار بودید، ادامه بدهید و بدانید که ممکن است سال های اول درآمدی نداشته باشید اما بعد از اینکه تجربیات متفاوتی کسب کنید، رجوع به شما خیلی زیاد می شود. خودتان را ببیند از دید وسط ماجرا.

سرپرست کهنه کار کوهنوردی منطقه ما
در ۸۰ سالگی همچنان پا به کوه است

پدر و گروهش

فهمیده شهری «دوستی داشتم به نام امرا... علی پور که مرتب به کوه نوردی می رفت. شوخی شوخی به او گفتم این قدر می روی کوه. یک بار هم ما را با خودت ببر. این شد که یک روز جمعه با او راهی قله زو شدیم. من وسط راه نشستم و گفتم دیگر نمی توانم بالا بیایم اما امرا... نگذاشت و گفت باید بیایی. وقتی به قله رسیدیم. تازه فهمیدم کوه نوردی چه لذتی دارد.» این هاروایت کوه نورد شدن حسن آقای جلالی است؛ پدر بزرگ محله شاهد که از حدود بیست سال پیش کوه نوردی را شروع کرد و کوه نوردان به خاطر سن و سال و تجربه هایش در کوه نوردی، او را «پدر» صدا می زنند. حسن آقا دماوند و بسیاری از قله های ایران را بارها صعود کرده است. او گروه کوه نوردی و طبیعت گردی داشته و اکنون با داشتن هشتاد سال سن هنوز طبیعت گردی و صعود به قله را ترک نکرده است.



لذت صعود به دماوند

حسن آقا بعد از اولین صعودش به قله زو، پای ثابت گروه کوه نوردی شده و مدام با دوستانش به کوه های مختلف صعود کرده است. او تعریف می کند: حدود سال ۸۵ بود. برنامه صعود به علم کوه را گذاشته بودند. اما برای سرپرست برنامه مشکلی پیش آمد و نمی توانست گروه را ببرد. گفتم من آن ها را می برم. چند نفر از کوه نوردان با تجربه هم بودند. من تا آن موقع به دماوند نرفته بودم. گفتم اول برویم دماوند، بعد علم کوه. این کوه نورد می گوید: وقتی به دماوند صعود کردم، تازه فهمیدم کوه یعنی چه. قبلش فکر می کردم خیلی عاشق کوه نوردی هستم اما بعد از صعود به دماوند عاشق واقعی شدم. نمی دانید چه عظمتی دارد. پدر سرش را رویه بالا می گیرد و در حالی که از پنجره به آسمان نگاه می کند، شروع می کند به خواندن ابیات مختلف:

به صحرا بنگرم صحرا ته وینم / به دریا بنگرم دریا ته وینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت / نشان روی زیبایی ته وینم...

حسن آقا بعد از کسب تجربه و دیدن جاهای مختلف، تصمیم می گیرد خودش گروه طبیعت گردی و کوه نوردی ایجاد کند و از سال ۹۰ گروهش را با نام «پدر» تشکیل می دهد. او می گوید: ابتدا با ۱۰ نفر گروه را ایجاد کردم اما بعد ها به دو بیست نفر هم رسید.

این طبیعت گرد شروع می کند به تعریف کردن از جاهایی که رفته است: دریا سر چشمه هایش قل قل می جوشد. از زیبایی های اشتران کوه لرستان و دریاچه گهر هر چه بگویم، کم است. یزد یک دره اجنه دارد که خیلی وحشتناک است. ریوش کاشمر دره بسیار بکر و زیبایی دارد. البته پراز مار هم هست و....

همیشه آخرین نفر می رسیدم قله

چشمانش را می بندد. انگار دارد ده ها صدها جایی را که رفته است، در ذهن مرور می کند. بعد می گوید: همه جای ایران را دوست دارم. تمام شهرهای قشنگ است. چهار فصل مادیایی زیبایی دارد. آبشارهای بهار، درختان سرسبز سر به فلک کشیده تابستان، پاییز هزار رنگ، سفید پوش شدن طبیعت در زمستان. خدا آن قدر نعمت به ما داده است که اگر از آن ها بهره نبریم، به خودمان جفا کرده ایم.

تا زمان شیوع کرونا گروه کوه نوردی و طبیعت گردی اش را داشته و مدام افراد را به کوه ها و شهرهای مختلف می برده است. حسن آقا تعریف می کند: وقتی خودم گروه نداشتم و همراه گروه ها می رفتم، می دیدم وقتی کسی در مسیر دچار مشکلی می شود، بقیه به مسیر ادامه می دهند و او را تنها می گذارند. وقتی خودم گروه راه انداختم، نمی گذاشتم این طور شود. اگر کسی به دلایلی قادر به ادامه راه نبود، کنارش می ماندم و کمکش می کردم. برای همین همیشه من آخرین نفر می رسیدم به قله. پدر وقتی می دیده هوا خراب است و احتمال خطراتی همچون گم شدن، ریزش و ماندن در زیر بهمن و... وجود دارد، مانع از صعود می شده و گروه را برمی گردانده. این موضوع خیلی ها را ناراحت می کرده و همیشه کسانی بودند که می خواستند هر طور شده مسیر صعود را ادامه دهند اما حسن آقا همیشه به آن ها می گفته «اگر صعودی کامل انجام نشود، می توان بعد آمد و در شرایطی بهتر صعود کرد، به شرط اینکه خودمان سالم باشیم. برای همین باید شرط اول را که حفظ سلامت کوه نورد است، جدی بگیریم.»

او از آخرین صعودش به دماوند یاد می کند و می گوید: سال ۱۴۰۱ بود که گفتم به خاطر سن و سال و شرایط جسمی ام دیگر نمی توانم در صعودهای سنگین شرکت کنم. دوستان گفتند «یک دماوند دیگر ما را ببر، بعدش نیا.» او تعریف می کند: به پناهگاه دوم که رسیدیم، باران و تگرگ شروع شد. آبشار یخی که بودیم، آسمان رعد و برق زد و گفتم دیگر کسی نباید بالاتر برود. بعضی از همراهان دلگیر شده بودند و می گفتند «این همه راه آمدیم؛ حیف است صعود نکنیم.» خودم هم دوست داشتم در آخرین سفرم به قله برسیم اما خطرناک بود و باید بازمی گشتیم.

کوه نوردی شوخی بردار نیست

حسن آقامی گوید: کوه نوردی شوخی بردار نیست. در این سال ها بسیار دیده و شنیده ام که به خاطر سهل انگاری اتفاقات جبران ناپذیری برای افراد افتاده است. در همان اشتران کوه با وجود زیبایی هایی غیر قابل وصفش کلی کوه نور دپرت شده و فوت کرده اند.

چندی پیش در کوه برای حسن آقا حادثه ای رخ داده. تعریف می کند: من همیشه به کوه نوردان می گویم داروهایتان همراهتان باشد و به هم نورد هایتان بگویید چه بیماری ای دارید. دوماه پیش که خودم به کوه های تربت حیدریه رفته بودم، سهل انگاری کردم و قرص هایم را نبردم. در کوه فشارم بالا رفت و زمین خوردم. دیگر چیزی نفهمیدم. چند نفر من را کول کرده و آورده بودند پایین. بعد هم به هیئت اطلاع داده و با اورژانس تماس گرفته بودند. خانواده ام که آمده بودند تربت، یکی از کوه نوردان بدون اینکه شناخت چندانی از ما داشته باشد، خانه اش را در اختیار آن ها قرار داده بود. من بعد از چهار روز چشم باز کردم و خودم را در بیمارستان دیدم. دکتر می گفت «بدنت قوی بوده و گر نه همان جافوت می کردی.»

او ادامه می دهد: برای همین چیزهاست که می گویم کوه شوخی بردار نیست. ماکه کلی تجربه داریم، اگر غفلت کنیم، ممکن است اتفاق ناخوشایندی روی دهد.

«چشمه پدر» در قله زو

شاید به خاطر این دغدغه ها، توصیه ها و تجربه های پدرانه است که کوه نوردان، لقب پدر را به حسن آقا داده اند. نام یک چشمه در مسیر قله زو را هم به یاد او «پدر» گذاشته اند. حسن آقا تعریف می کند: حدود سه چهار سال پیش، تعدادی از افرادی که با من به کوه نوردی می آمدند و در رأسشان حسین نامدار و سعید سجادی، تابلویی را روی این چشمه گذاشتند و اسمش را گذاشتند چشمه پدر.

این پدر بزرگ نزدیک دو سال است که بدن سازی کار می کند. او به باشگاه می رود و پرس پای خیلی قوی ای دارد و تا ۳۳ کیلو از ده است. بعد از سکنه اخیرش در کوه، مدتی در فعالیت های ورزشی اش وقفه افتاد اما با شروع بهار و سال جدید، او تجدید قوا کرده و باشگاه رفتن و صعود به قله زو را از سر گرفته است. به قول خودش روز از نو، روزی از نو.





فضای سبز محلی خیابان شهید غفوری ۳ فضایی برای معاشرت همسایه هاست

پاتوق حال خوب کن اهالی

پیش تر شب ها این کوچه خیلی سوت و کور و تاریک بود. کلی ماشین کوچک و بزرگ پارک می کرد و رفت و آمد آدم های مشکوک هم زیاد دیده می شد؛ حالا با احداث این پارک، شب ها چراغی روشن است و دیگر جایی برای پارک ماشین نیست. فاطمه خانم می گوید: از این به بعد هوا گرم است؛ اینجا جای خوبی است که همسایه ها با هم بنشینند و گفت و گو و معاشرت کنند.

● صمیمیت همسایه ها، اولویت ماست

اجرای پروژه های اجتماع محوری یکی از رویکردهای مهم شهرداری منطقه ۱۰ برای تغییر سبک زندگی اهالی و ایجاد صمیمیت بین همسایه هاست.

در همین راستا شهرداری منطقه ۱۰ اقدام به اجرای این پروژه با هدف افزایش ایمنی و امنیت شهروندان، ارتقای شور و نشاط اجتماعی، بهبود کیفیت فضاهای شهری و ایجاد فضاهای انسان محور کرده است.

پاتوق محلی خیابان شهید غفوری ۳ در زمینی به مساحت ۲ هزار و ۲۰۰ مترمربع به منظور افزایش فضاهای تعاملی شهری و ارتقای زندگی مطلوب برای شهروندان با اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد ریال به انجام رسیده است. در حوزه بازپیرایی فضای موجود، اقداماتی نظیر بهسازی و احداث باغچه، بتن ریزی، تایل فرش به متر اژ ۳ هزار و ۵۰۰ مترمربع، لوله گذاری و کانال سرپوشیده به طول ۶۰۰ متر، وسایل بدن سازی و میلمان شهری در این پروژه انجام شده است.

را آبیاری می کند، ادامه می دهد؛ من و همسایه ها چندین بار با ۱۳۷ تماس گرفته و از این اقدام شهرداری تشکر کرده ایم. تا همین چند وقت پیش از وسط این خیابان یک جوی رد می شد و بوی گندآب داخل آن، همسایه ها را آزار می داد؛ حالا به واسطه این فضای سبز، کانال جمع آوری آب های سطحی هم اصلاح شده است.

● خلاصی از تاریکی کوچه

فاطمه آزموده یکی دیگر از همسایه های پاتوق محلی خیابان شهید غفوری ۳ است. او به اندازه آقای مهربان، از ساخت این فضای سبز خوشحال نیست، چون می گوید سروصدای بچه ها برایش آزار دهنده است اما از امنیتی که به خاطر این فضای سبز در کوچه شان برقرار شده است، ابراز رضایت می کند و می گوید:

رضار یاحی انا همین سه ماه پیش، خیابان شهید غفوری ۳ در محله امام هادی (ع) یک پارکینگ بزرگ بود برای ماشین های سبک و سنگینی که شب ها را در آنجا سپری می کردند: سوت و کور و تاریک و ناایمن. حالا اما از پیاده روی در این معبر لذت می برید: از ابتدا تا انتهای آن سنگ فرش شده و در محل پارکینگ ماشین ها هم نشیمن و روشنایی مناسب و تجهیزات ورزشی برای اهالی جانمایی شده است. ساخت این پاتوق محلی حال خوب کن یا «مرکز اجتماع محور»، از سیاست های مدیریت شهری است برای مقابله با سبک زندگی آپارتمان نشینی که مدت ها است اهالی را از هم دور کرده و حق همسایگی، بسیار کم رنگ تر از گذشته، ادا می شود.

● درخواست محصور کردن باغچه ها

دورتادور پاتوق محلی خیابان شهید غفوری ۳، باغچه هایی احداث شده که در آن، چند اصله درخت و گل های فصلی کاشته شده است. محمدرضا مهربان مشغول صاف کردن تنه یکی از این درختان است که از خرابکاری بچه های محل در امان نبوده است. او می گوید: ای کاش حالا که این درختان را کاشته اند، دور باغچه ها را محصور می کردند تا بچه ها به آن ها دسترسی نداشته باشند. حیف است؛ فردا همین درخت ها می شود سایه ای برای اهالی که دورش می نشینند و با هم گپ می زنند. آقا محمدرضا که خودش هر از گاهی درختان



نوجوان محله لادن، دوربین به دست، در پی ثبت زیبایی هاست

عکاس باشی طبیعت



امید محله

در جشنواره «معلم خوب من» آموزش و پرورش استان خراسان رضوی جزو نفرات نخست بودم. مقام اول عکاسی ناحیه را هم دارم و تا حالا عکس هایم در نمایشگاه های «رد پای هنر» ترکیه، «زندگی را نقاشی کن» مکزیک، «خلق هنر» عمان و دو نمایشگاه تصویری در هلند و پاکستان نمایش داده شده است.

● به نظر خودت بهترین عکسی که تا حالا ثبت کرده ای چه بوده است؟

یک عکس گربه دارم که در روستای کنگ گرفته ام و خیلی دوستش دارم.

● از محل زندگی ات هم عکاسی می کنی؟

من تمرین عکاسی را از کوچه های بولوار لادن شروع کردم و بعدتر که دوربین هم خریدم، برای تنظیم قاب و مرور فتون عکاسی در پارک محله عکاسی می کردم تا تصویر پرنده ها را شکار کنم.

● در فضای شهری و اطراف شهر چه جاهایی را برای عکاسی ترجیح می دهی؟

عکاسی در باغ گیاه شناسی و کوه پارک را خیلی دوست دارم. در اطراف شهر هم، کنگ را برای عکاسی ترجیح می دهم.

● تا حالا برای عکاسی، سفارش کار هم داشته ای؟

معمولاً در چند دوره برای خبرگزاری یا سفارش کار داشته ام اما الان بیشتر تمرکز را گذاشته ام برای تکمیل مجموعه های عکاسی خودم از مناظر مختلف.

● هدفت برای آینده چیست؟

فکر می کنم آدم ها باید دنبال علاقه شان بروند. علاقه من عکاسی است و دوست دارم این حرفه را تا روزی که یک استودیوی مجهز و بزرگ داشته باشم، ادامه دهم.

حرفه ای تر شوم. البته گوشی به واسطه دسترسی همیشگی، کار را راحت تر می کند.

● در دوره آموزشی عکاسی هم شرکت کرده ای؟

علاوه بر آموزش های پایه که در مدرسه داریم، در دوره عکاسی حرفه ای هم شرکت کرده ام که فقط به تجربه اکتفا نکنم.

● چرا عکاسی در طبیعت و حیات وحش را انتخاب کرده ای؟

زیبایی ها در این فضاها بیشتر است. وقتی عکسی می گیرم، می نشینم و چند بار آن را می بینم؛ چون حس خوبی به من می دهد و لذت می برم.

● از جوایز عکاسی و جشنواره هایی که شرکت کرده ای، بگو.



زهر از نگه این قلم موی نقاشی و دوربین عکاسی، حرفه دومی را انتخاب کرد تا بتواند هر جا زیبایی ای دید ثبت کند و تجربه دیداری خود را با دیگران به اشتراک بگذارد. نوجوان شانزده ساله محله لادن، حالا وقت زیادی را دوربین به دست در کوه و طبیعت و دشت و صحرا می گذراند.

امیرحسین شاهسونی بیش از سه سال است که تصاویر درجه یکی از طبیعت و حیات وحش ثبت کرده. آثارش در چند جشنواره نمایش داده شده و افتخار هم آفریده است.

● چطور شد که به سمت عکاسی کشیده شدی؟

من هنر را دوست دارم. اول نقاشی می کشیدم، حدود چهار پنج سال. وقتی که گوشی های حرفه ای آمد، با آن ها عکاسی می کردم و به سمت این هنر جذب شدم.

● چقدر برای این کار وقت می گذاری؟

خیلی زیاد، هم وقتم و هم فکرم را. من برنامه آینده زندگی ام را بر اساس این هنر چیده ام و الان در رشته گرافیک در مدرسه هنرهای زیبا درس می خوانم تا تحصیلات مرتبط را هم سپری کنم.

● فقط با تلفن همراه عکاسی می کنی یا دوربین هم داری؟

اول فقط با گوشی بود ولی وقتی علاقه ام بیشتر شد، دوربین حرفه ای و پایه گرفتم که در کارم



برای آشنایی بیشتر به کانال شهرآرامحله منطقه ۹ و ۱۰ در تلگرام مراجعه کنید

راز، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، اینترگران، امام‌هادی (ع)، خاتم‌الانبیاء (ص)، میثاق

محلات منطقه‌ها

نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب‌ورق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس، ولی عصر (عج)

۹

به همت معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۹ و با پیگیری‌های شهرآرامحله انجام شد

خلاصی «خورشید» از گرد و خاک



بازخورد

۹

ریاحی یکی از مشکلات اهالی خیابان خورشید در محله چهارچشمه، خاکی بودن ورودی این معبر بود. این معضل قدیمی سبب شده بود که سازمان اتوبوس‌رانی از ارائه خدمات به اهالی این خیابان معذور باشد و رفت و آمد اهالی با مشکلات بسیار روبه‌رو شود.

اول اسفند سال گذشته بود که شهرآرامحله، گزارشی را با عنوان «آسفالت‌نو، قبل از سال نو» منتشر کرد که در آن، شهرداری منطقه ۹ قول داده بود معضل خاکی بودن ابتدای خیابان خورشید رفع و رجوع شود. همین‌طور هم شد و پیش از نوروز ۱۴۰۴ شهرداری به وعده خود عمل کرد تا یکی از مشکلات قدیمی اهالی خیابان

خورشید رفع شود.

محبلی اسدی، از اهالی قدیمی این خیابان، در این باره به شهرآرامحله گفت: اجرای آسفالت این معبر برای اهالی یک تیر و دو نشان بود، هم رفت و آمد ما آسان‌تر می‌شود و هم اینکه سازمان اتوبوس‌رانی دیگر مانعی برای خدمات‌ندادن به ما ندارد. سعید حسینی‌قلی زاده مقدم، شهردار منطقه ۹، هم در این باره توضیح داد: بیش‌تر هم گفته بودیم در حال رایزنی با سازمان عمران شهرداری مشهد هستیم تا آسفالت ورودی خیابان خورشید را تأمین کنیم. خدا را شکر این مهم قبل از نوروز انجام شد و پروژه آسفالت ورودی خیابان خورشید به ثمر نشست.

شهرستان



خبر خوش به اهالی خیابان خورشید که از مشکلات

آسفالت‌نو تا قبل از سال نو

موجبات رسیدن آسفالت‌نو به اهالی خیابان خورشید را می‌توان به پیگیری‌های شهرآرامحله و همکاری شهرداری منطقه ۹ و سازمان عمران شهرداری مشهد نسبت داد. این اقدام باعث شده است که اهالی این خیابان بتوانند با خیال آسوده از تردد در این معبر استفاده کنند. همچنین، این اقدام باعث شده است که سازمان اتوبوس‌رانی بتواند خدمات بهتری را به اهالی این خیابان ارائه دهد.



معبر سبز نوفل

رضاریاحی‌ادر معابر محله نوفل لوشاتو آپارتمان‌سازی کمتر به چشم می‌خورد و بیشتر خانه‌ها، بافت قدیمی خود را حفظ کرده‌است. نوفل ۱۸ یکی از این معابر است. کوچه‌ای کوتاه با خانه‌های اغلب ویلایی که بیشتر آن‌ها دو ممر هستند و حداقل ۲۵ مترمربع وسعت دارند. یک سمت این معبر به خیابان نوفل لوشاتو راه دارد و سمت دیگر این کوچه به بزرگراه کلانتری می‌رسد. کوچه نوفل ۱۸ از سال ۱۳۵۵ به محدوده شهری الحاق شد و پیش از آن زمین‌های کشاورزی بود که از قنات‌های رضاشهر آبیاری می‌شد. وجود باغ ملک آباد به عنوان بزرگ‌ترین فضای سبز شهر در یک سمت این معبر، آن را خوش‌منظر و خوش‌آب و هوا کرده‌است.

۹

کوچه نوفل ۱۸
محله نوفل لوشاتو



دبیرستان فرزندگان ۳ (مرکز استعدادهای درخشان)، سال ۱۳۸۸ در خیابان نوفل ۱۸ بنا شد. سالن اجتماعات، اتاق بهداشت، اتاق فکر و پژوهش، چند آزمایشگاه، کارگاه کامپیوتر، نمازخانه، اتاق ورزش و دو سالن مطالعه مجزا از امکانات این مرکز آموزشی است.



بوستان خطی سینا، یازده سال پیش احداث شده و تنها فضای سبز محله نوفل است که در سرتاسر معبر نوفل ۱۸ کشیده شده و دارای روشنایی و نشیمن مناسب است.



نبش این کوچه، مسیر ویژه دوچرخه‌سواری احداث شده که در سرتاسر خیابان نوفل امتداد دارد و از مکان‌های مورد علاقه ورزشکاران محله است.